

دردها و راه حل ها در آمریکای لاتین (۳) فاشیسم جان میگیرد

یادداشت مترجم

همانطور که در ضمن مقدمه این سلسله مقالات در دو شماره قبل مجله نگین آمد ، نظریات میردال بگونه ایست که ممکن است بعضی را خوش نیاید . مترجم در همان مقدمه یادآور شده که ترجمه بعضی مطالب دلیل موافقت کامل مترجم با نویسنده نیست . مترجم يك اثر مجبور است حتی در صورت مخالفت یا بعضی نکات نویسنده ، بمنظور حفظ امانت ، تمام نوشته يك نویسنده را بقرسی برگرداند . ما خود نیز به بعضی از عقاید میردال ایرادهائی داریم که در شماره بعد ضمن مقاله ای مطرح خواهیم ساخت .

پیش بینی گزارش راکفلر ، که دولتهای آمریکای لاتین یکی پس از دیگری نظامی خواهند شد ، امکان تحقق زیادی دارد .

بطور کلی ، امروزه بعلت بوجود آمدن سلاحهای جدید و توسعه تکنولوژی نظامی ، قدرت نظامی تمام کشور ها بسیار زیاد است و بسوی ازدیاد بیشتر میرود .

تقریباً در هیچ يك از کشورهای آمریکای لاتین دموکراسی اصیل و یا تحدید قدرت نظامیان بتوسط غیر نظامیان سابقه مستحکمى نداشته است . بنابراین ، در این کشور ها ، قدرت سیاسی نظامیان با موانع و ممانعت های کمتری دویرو میشود

بعلاوه ، دولتها و احزاب سیاسی آمریکای لاتین ناکارآمد و فاسدند . با در نظر گرفتن این عوامل بهتر است که بمنظور برپاساختن يك دولت کارآمد و صالح و برقرار ساختن نظم اجتماعی حکومت را به نظامیان سپرد . حال اگر نتیجه بغیر از آن است که باید بشود ، مسئله ای است دیگر و صحبتش باید در مقوله ای دیگر بیاید .

در حال حاضر در آمریکای لاتین بعضی اقلیت های اصلاح طلب یا نظامیان این فاره بمبارزه ای دست زده اند که آینده اش را نمیتوان پیش بینی کرد .

همینقدر میتوان گفت که اگر اقلیت های فوق در يك دوره کوتاه مدت به پیروزی نرسند ، نوعی فاشیسم مخصوص آمریکای لاتین بقدرت خواهد رسید که در اعمال خشونت دست کمی از فاشیسم های اروپائی نخواهد داشت .

این نوع فاشیسم در عین حالیکه مخصوص به آمریکای لاتین است ، بانوع ایتالیائی و اسپانیولی یا پرتغالی فاشیسم شبیه خواهد بود . چون در بوجود آوردن این فاشیسم مسائل اختلاف نژادی و آژ بین بردن نژادی بخصوص بمعیار بزرگ دخالت ندارند ، شکل فاشیسم نوع فوق نیز هیچ شباهتی به فاشیسم آلمان نازی نخواهد داشت . در اینجا لازم میدانم که استثنای کشتار مداوم سرخ بوستان دهات دور افتاده برزیل و یکی چند کشور آمریکای لاتین را گوشزد کنم . این نوع کشتار که از زمان های بسیار دور معمول

بوده است حس کنجکاوی کسی را نه در داخل این کشور ها و نه در کشورهای خارج برنیانگیخته است و ظاهراً مسئله ای محسوب نمیشود .

در آمریکای لاتین سیاهان و سرخپوستان بعنوان تبعیضات نژادی مورد آزار قرار نمی گیرند . با این وجود ، این دو دسته بطور موروثی همیشه از طرف جامعه سرکوب شده اند . هماهنگی نژادی در آمریکای لاتین بیشتر جنبه افسانه ای دارد تا حقیقت . وجود رنگه های نژاد پرستانه در طبقه بندی جامعه آمریکای لاتین یکی از عواملی است که میتواند به پرورش فاشیسم نوع آمریکای لاتین کمک کند .

اگر گزارش راکفلر - که در این مورد بخصوص از زبان مقامات رسمی آمریکا سخن میگوید - با امید رسیدن به روز های بهتر و شادتر می نشیند و نظامی شدن فزاینده حکومت های آمریکای لاتین را نادیده میگیرد ، بدین علت است که «در منشا افسران این کشور ها تغییرات فراوانی» بچشم میخورد . گزارش میگوید که :

«نوع تازه ای از نظامیان دارند بچشم میروستند . این نظامیان قادر خواهند بود که سنتهای قدرت طلبانه خود را در جهت پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی گسیل دهند»
برای توجیه مسئله فوق ، گزارش نظریه جدیدی را ارائه میدهد :

«... در گذشته قدرت ارتش نیروی محافظه کاری بود که جلوی هرگونه تغییری را سد میکرد . بیشتر افسران از طبقه زمینداران میآمدند . ولی در سالهای اخیر فرزندان افسران فوق از خدمت در ارتش شانه خالی می کنند . در نتیجه ، موقعیت برای جوانان جاه طلب و مستعد خانواده های فقیر که ته دستی بر زمین دارند و نه رابطه ای با اهل حرفه و تجارت ، باز میماند . این جوانان جاه طلب و پسران طبقات کارگر کارهای نظامی را برگزیده اند پدیده ای این چنین تقریباً در تمام آمریکای لاتین مشاهده میشود این افسران اغلب با طبقات مردم عادی رابطه احساسی دارند . این عده تمام هم و غم خود را وقف از بین بردن فقر و بهتر کردن وضع طبقه محروم روستائی و

شهری کرده اند ...»

مطابق آنچه که ما میدانیم ، گزارش در دو مورد اساسی زیر راه مبالغه را در پیش گرفته است . اول تغییر کلی در اصل طبقاتی افسران جوان و دوم همه گیر بودن این تغییرات در تمام آمریکای لاتین . واضح است که فرض بدون در دسر وجود يك رابطه مستحکم و ساده بین تغییرات فوق و جهت گیری سیاسی نظامیان پایه علمی ندارد . باتمام این احوال ، نمیتوان بعضی رویدادها را نادیده گرفت . حتی بدون تغییر اصل طبقاتی ، اثرات آن بروی جهت گیری های سیاسی ، ممکن است که نظامیان در تحت يك رهبری ترقیخواه به اصلاحات اساسی دست زنند و طبقات مردم را به حمایت این اصلاحات برانگیزند . چون ، در آمریکای لاتین رویدادهای سیاسی بسرعت از نقطه ای به نقاط دیگر سرایت می کنند ، اگر اتفاقی بگونه فوق روی دهد ، تمام آمریکای لاتین را فرا خواهد گرفت . ولی بعقیده من دولتهای نظامی ، لااقل تا آینده ای دور ، بیشتر بحفظ منافع موجود خواهند پرداخت و دل به انجام اصلاحات نخواهند داد .

درحقیقت ممکن است که هم اکنون در پرو جهت عوضی شده و فصل اصلاحات پیش آمده باشد . درست است که نمیتوان بدوام دولت نظامی ژنرال خوان لاسکوالواردو و سیاست اصلاح طلبانه اش امید فراوان داشت ، ولی گفتن اینکه اصلاً امیدی نیست نیز غلط است . اگر حکومت فوق دوام یابد ، با مقاومت شدید قسمت اعظم طبقه بالا که منافعشان تهدید میشود روبرو خواهد شد . برای درهم شکستن این مقاومت ارتش باید یکپارچه باقی بماند و سخت بجنگد . تحرك بخشیدن نیروی توده ها و جلب حمایت آنان از زمره عملیاتی است که باید بتوسط ارتش صورت پذیرد . در اینصورت است که ما شاهد انجام اصلاحات ریشه دار بتوسط يك حکومت نظامی خواهیم بود که بتدریج توده ها را فعال کرده و بآنها میدان داده است .

چون احساسات ضد آمریکائی در منطقه بطور فزاینده ای در حال رشد است ، يك حکومت نظامی و اصلاح طلب مجبور خواهد شد که

بخصوص در ابتدا ، حمله سخت خود را متوجه شرکتهای آمریکائی گرداند . این همان چیزی است که در پرو اتفاق افتاد .

مشکلاتی که يك دولت نظامی اصلاح طلب در ضمن کار با آنها برخورد خواهد کرد بسیار زیاد است . بسیاری از این مشکلات از عکس العمل خودکار تجارت و شرکتهای آمریکائی بوجود خواهد آمد . اعلام صرف اصلاحات و پشتیبانی از آن نمی تواند از همکاری شرکتهای آمریکائی با اولیگارشى محلی برای ایجاد وقفه در اصلاحات و با بزرگداشتن دولتها جلوگیری کند . و نیز اعلام بعضی سیاستها در مورد ادامه و یا تسریع فراهم آوردن زمینه برای سرمایه گذاری های خصوصی در امریکای لاتین قادر نخواهد بود که از ایجاد وقفه در سرمایه گذاریهای جدید جلوگیری نماید . نکته دیگر اینکه ، حتی با حذف ماده اصلاحی هیکن لوبر (۱) ، مشکل توان قبول داشت که در شرایط فوق ، دولت آمریکا کمکان به پرداخت کمک های خود ادامه دهد .

این مشکلات موجب خواهند شد که حکومت های نظامی از سرعت پیشروی در امر اصلاحات بکاهند و حتی از آن دست بکشند . و این امری است که احتمال وقوع پیوستنش زیاد است . اگر دولتی بجای تسلیم به اعمال سیاستهای اصلاح طلبانه اش ادامه دهد ، مجبور خواهد شد که تدابیر ریشه داری اتخاذ کند و از ملتش بخواهد که برای انجام اصلاحات بعدا کارهای بیشتری تن در دهد .

در اینصورت بین دولت فوق و ایالات متحده فاصله بیشتری ایجاد میشود . چنین دولتی مجبور خواهد بود که از احساسات فزاینده ضد آمریکائی ، مخصوصا اکنون که سرمایه گذاری و کمکهای آمریکا قطع شده است ، استفاده بیشتری بعمل آورد و حتی برابرد این احساسات بیفزاید .

گزارش راکفلر معتقد است که دولتهای نظامی اصلاح طلب بنوسط کلیسا نیز حمایت خواهند شد و بدین ترتیب از گرایش شدید دولتهای فوق به راههای انقلابی جلوگیری خواهد گردید . از طرف دیگر ، مطابق گفته گزارش روی کار آمدن «مدیریت های جوان» در تجارت و سرمایه داری موجب خواهد شد که شرکتهای و مراکز صنایع به «کارگران و عامه مردم توجه بیشتری» داشته باشند . وجود چنین دولتی که علیرغم احساسات فزاینده ضد آمریکائی بتواند از سرمایه گذاریهای خصوصی بیشتر شرکتهای آمریکائی برخوردار شود و با دولت آمریکا روابط دوستانه تری داشته باشد کاملا خیالی است . چنین گفته هائی ممکن است که برای آمریکائیان خوش نیت جالب توجه و امیدوارکننده باشد ، ولی مسئله اینستکه چنین افکاری واقعی نیستند و بدنیای دیگری تعلق دارند .

اگر تصور يك دولت نظامی اصلاح طلب امری خیالی است تصور يك برخورد خشن اجتناب ناپذیر بین توده های فقیر و اولیگارشى های حاکم ، که ذهن جوانان طائفی ایالات متحده و اروپا را بخود مشغول داشته است ، نیز موضوعی خیالی

است . توده های مردم بسیار کنش پذیرند ، و سلاحهای نظامیان بسیار کارآمد و فراوان .

لکن ، همانطور که گزارش راکفلر نیز گفته است ، احتمال روی کار آمدن بیشتر دولتهای نظامی کم نیست . آنطور که قبلا نیز گفتیم ، امکان دارد که با تمام مشکلات ، بخصوص مشکلات اقتصادی فراوان ، يك یا چند دولت نظامی بانجام انقلاب اجتماعی و اقتصادی که برای توسعه لازم است دست بزنند .

اگر این مشکلات اقتصادی واجتماعی سرعت جلوی اصلاحات دولتهای اصلاح طلب را بگیرند ، کوشش هائی برای سرنگون کردن آنها بعمل خواهد آمد . این تونه کوشی ها احتمالا از طرف دولت آمریکا و از طریق فعالیت های پشت پرده سیا و دیگر راهها بعمل خواهند آمد . کوشش هائی این چنین با سنتها و نظام حکومتی آمریکای لاتین هماهنگی کامل دارد . بی سبب نیست که گزارش راکفلر و دولت نیکسون ، وقتی صحبت از نظام و تغییر آن میافتد سکوت اختیار می - باوجود اینکه ، بر اثر تجربه های ویتنام ، مخالفت مردم آمریکا نسبت به دخالت های فزونی گرفته است هنوز هم ، امکان دخالت نظامی آمریکا را برای سرنگون کردن حکومت های اصلاح طلب نمی توان از نظر دور داشت .

راه معمول سرنگون ساختن يك دولت نظامی اصلاح طلب کاهش قدرت نفوذ و نارضايتی در خود دولت نظامی است . این خرد نوعی کودتاست . با این تفاوت که این بار دولتی نظامی سرنگون میشود و پای يك دولت غیر نظامی در میان نیست . این کودتا ها ممکن است بدون اینکه در زندگی توده مردم اختلالی بوجود آورند ، صورت بپذیرند . در هر حال ، اگر دولت نظامی اصلاح طلب بر اثر فشار فراوان مشکلات تسلیم نشده و از انجام اصلاحات دست نهسته باشد ، با کودتای نظامی جلوی اصلاحاتش را خواهند گرفت .

اکنون دوباره به تصور خیالی طفیان توده های آمریکائی لاتین و مبارزه آنها با دولتها و اولیگارشى ها ، که در متن مخالفان سیستمهای خارجی آمریکا ، در آمریکا و اروپای غربی متداول است برمیگردیم . اثر سیاست دولت آمریکا در قبال کشور های آمریکائی لاتین غیر واقع بینانه است ، نظیری این چنین نیز واقع بینانه نیست . ظاهرا بنظر میرسد که طرفداران آمریکائی و اروپائی خشونت ، خشونت را بخاطر «شکوه آن» می خواهند و هدف اصلی را از یاد برده اند .

هیچ شخص عاقلی صرفا بخاطر خشونت ، در صدد دفاع از خشونت برنمیاید . اگر میشد از طریق طفیان ، هیئت های حاکمه اولیگارشى را برانداخت شاید دفاع از خشونت بعنوان عاملی ضروری برای رسیدن به هدف قابل توجیه بود . انقلاب مکزیک بین يك تا دومیلیون کشته داد . انقلاب آمریکا در دوست سال قبل ، خود بدون دست زدن بخشونت بموفقیت نرسید .

بطور کلی ، اعمال خشونت در آمریکائی لاتین موضوع تازه ای نیست و سالهاست که بخصوص برای سرکوبی توده فقیر بکار میرود . يك نظم

اجتماعی و اقتصادی که کارگران را بیکار بگذارند و موجب فقیر کردن توده ها بشود ، خود از نوعی «خشونت نهادی» استفاده جسته است .

بارینگتون مور (پسر) ، در کتاب بسیار مهمی که چندین سال قبل منتشر کرد و بر آن نام «منشاء خودکامی و دموکراسی : ارباب و رعیت در بنای دنیای نوین» نهاد و من نتوانستم در کتاب درام آسیایی از آن نامی بیاورم چنین میگوید :

تاریخ بنحوی نوشته شده است که اغلب در انسان احساس بدبینانه ای نسبت به خشونت های انقلابی بوجود میآورد استفاده از زور بنوسط جماعت ظلم دیده در مقابل اربابانشان تقریبا همیشه محکوم شده است . لیکن سرکوبی روزمره جامعه «عادی» بزحمت در کتابهای تاریخ آمده است (۲) .

بارینگتون مور سپس بشرح بدبختیها و تلفاتی می بردارد که از «انقلاب نکردن» نتیجه میشود . رابرت ل . هیل برنر و همکارانش نیز گفته هائی شبیه به گفته های فوق داشته اند .

ولی همه چیز بدو سوال بستگی دارد : اول اینکه آیا طفیان همه گیر است ؟ دوم ، آیا احتمالی برای موفقیت هست ؟ نویسدنمان چه گرانی به درباره آمریکائی لاتین می نویسد و بطور دائم از شکوه مندی خشونت سخن میدارند ، جواب دو سوال فوق را مثبت میدانند . این موضوع بطور آشکار از اهمیت مبالغه آمیزی که اینها در کمال یقین بوجهی به نهضت های ضاعی آمریکائی لاتین میدهند هویدا است .

نظر من درباره دو نکته فوق چنین است . اول توده ها بیش از آنکه تصور شود کنش پذیر و بی حالند . و مهمتر از اینکه هرگونه کوشی برای فعال کردن آنها با مقاومت همه جانبه نیروهای پلیس و ارتش که بنوسط اولیگارشى های محلی ایالات متحده - که تصور می کند از حادثه کوبا درس خوبی گرفته است - حمایت میشوند ، روبرو خواهد شد .

بکمان من احتمال موفقیت طفیانهای همه گیر بر ضد ساختمان قدرت های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی فعلی کشورهای آمریکائی لاتین بسیار کم است . تنها استثنای ممکن بقدرت رسیدن غیر محتمل دولتهای نظامی و قطع علایق این دولتها با اولیگارشى محلی و شرکتهای آمریکائی - و پس از آن دولت آمریکا - و بسیج کردن توده ها بمنظور جلب حمایت آنهاست . نکته مهم در مورد اینگونه طفیانها که بنوسط دولتهای نظامی رهبری میشوند اینستکه ، برای موفقیت احتیاجی باعمال خشونت ندارند .

هستند عده ای که در محیط امن و راحت خود کم میدهند و بدون اینکه به سرانجام جنگیدن در تالاشهای توده فقیر و سرکوب آمریکائی لاتین بیندیشند ، جاهلانه و حتی بالذات از طفیانهای خشونت آمیز دفاع می کنند . معلوم است که طرز تفکر این افراد که آذوردستی برآش دارند از لحاظ اخلاقی قابل سرزنش است .

اینها ، در عالم روشنفکری ، با جای دادن بقیه در صفحه ۶۳

دردها و راجلها (بقیه)

طرز تفکر فوق در «مارکسیسم» مبتذل خود ، گفته های خویش را توجیه می کنند . اگر کارل مارکس از وجود چنین مارکسیسمی اطلاع می داشت لرگود بر خود می لرزید . (۲)

حادثه دیگری که ممکن است در آمریکای لاتین بوقوع به پیوندد و از نظر نباید دورش داشت تغییرات نسبی مسالمت آمیز ، بتوسط حکومت های غیر نظامی است . برای موفقیت ، انجام چنین تغییرات ، با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی آمریکای لاتین باید نسبتا سریع باشد . برای تحقق یت چنین تغییرات برهبری صالح و روشن بین احتیاج است که از پایه شروع کند و بتدریج ساختمان عقلی قدرت های اجتماعی و اقتصادی را تغییر شکل دهد . از این راه می توان تدریجاً به دموکراسی اصیل دست یافت . گفته فوق در مورد کشور نسبتا ثروتمندی مانند آرژانتین ، یا کشوری که در آن انتخابات از قدیم جای محکمی داشته است مانند شیلی ، یا کشوری که سابقه انقلابی دارد مانند مکزیک ، شاید امکان پذیر باشد . در بوجود آوردن تغییرات تدریجی و مسالمت آمیز ، حتی رستخیز های عمومی ممکن است در بعضی مراحل نقشی داشته باشند . در هر حال ، اعمال تغییرات مسالمت آمیز باید از پائین شروع شود . کشور های فوق و بعضی کشورهای دیگر محل مناسبی برای پذیرفتن تغییرات مسالمت آمیزند .

سومین و شاید محتمل ترین راه ، ادامه وضع فعلی است . درست مانند آسیای جنوبی این بدان معناست که نه تکاملی رخ دهد و نه انقلابی . همانطور که قبلاً نیز گفته شد وضع فوق راه را برای بقدرت رسیدن فاشیزم نوع آمریکای لاتین باز می کند . این فاشیزم که بتوسط قدرت بیحد پلیس و نیروی نظامی حمایت خواهد شد ممکن است در چند ، یا چندین و شاید تمام کشورهای آمریکای لاتین بقدرت برسد .

اگر در سیاست آمریکا تغییرات ریشه داری پیدا نشود ، فاشیزم فوق از حمایت دولت ایالات متحده نیز بر خوردار خواهد بود . چون در شرایط غیر دلخواه تنها راه باقیمانده برای اصلاحات کمونیزم است ، دولت آمریکا فاشیزم نوع آمریکای لاتین را قبول خواهد کرد .

در اروپا هم حکومت های هیتلر ، موسولینی ، فرانکو و سالازار بمللی شبیه به طرز تفکر فوق مورد قبول مردم واقع شدند . همانطور که بیاد می آوریم ، رژیم های فوق مانند حکومت فعلی سرهنگان یونان موجب خوش باوری مردم بخصوص ملت ایالات متحده شدند و در دل ها جانی پیدا کردند . شاید آن روزها را از یاد نبرده باشیم که مردم حکومت های فاشیزم را کارآمد و مایل بانجام اصلاحات برای رفاه مردم میدانستند . این نوع طرز تفکر بی شباهت به آن قسمت از تزارشیاکفکر که بحکومت نظامی آمریکای لاتین امید فراوان می بندد نیست .

فرانکلین روزولت وعده ای دیگر از لیبرالها

با کوشش تمام نظر ساده لوحانه مردم را نسبت به فاشیزم اروپایی عوض کردند . در واقع آگاهی مردم از آینده جنگی که فاشیزم برپا کرده بود بیاری روزولت و سایر لیبرالها شتافت و تصورشان را زودتر تغییر داد . نفر از فاشیزم تا دوره معروف بهمن نارتی- دالسی همچنان با برجا بود . ملکارتی و دالسی توانستند طرز تفکری بوجود آورند که هنوز بقوت خود باقی است .

فاشیزم آمریکای لاتین ، با تمام اثرات غیر انسانی که در آمریکای لاتین خواهد داشت ، برای جنگ در خارج از شبه قاره محلی ندارد . بخصوص که اتحاد جماهیر شوروی تمایلی برای مبارزه با فاشیزم فوق نخواهد داشت . در صورت بحکومت رسیدن فاشیزم ، لیبرال های ایالات متحده برای متعترف ساختن علاقه مردم از فاشیزم نوع آمریکای لاتین ، باید بمبارزه بزرگی دست بزنند .

آنچه که در بالا گفتیم نه بدان معنی است که امکان تغییر و تعریف مجدد سیاست ایالات متحده نسبت به کشورهای آمریکای لاتین و سوق دادن آن به سنت های لیبرال آمریکائیان ، از بین رفته است . این همان چیزی است که ما برای بدست آوردنش باید نوتش کنیم .

یک چنین تعریف مجدد سیاست تقریباً عکس «مصلحت گوئی» نوی است که چراغ راهنمای دولت نینسون است . برای تحقیق بششیدن به تعریف مجدد فوق ، دولت آمریکا باید با نیروهای پیشروی آمریکای لاتین همگام شود و رژیم های محافظه کار را باسردی از خود دور کند . بعبارت دیگر دولت آمریکا باید به اصول اتحادیه پیشرفت برتردد و حتی برای موفقیت آن به فعال کارهای بیشتری آن فردهد . اگر دولت آمریکا به تغییر در سیاست خود نسبت به آمریکای لاتین راضی شود باید از ارسال اسلحه به کشورهای قاره و آموزش افسران این کشورها خودداری کند . فعالیت های مخفیانه سیاسی و خفاشی را بطرف ایالات متحده آمریکا عقده ضد آمریکائی اکثریت مردم را بپچیده تر میکند . تنها آن عده که از وضع موجود سود می برند این دخالتها را خواهند خوانند کرد . همانطور که قبلاً نیز گفتیم انجام تحقیقات در زمینه «اقتیبات ایالات متحده» در آمریکای لاتین تاثیر کاملاً معکوسی خواهد داشت .

در تعریف مجدد سیاست ایالات متحده باید بمسائل سرمایه داری آمریکا در آمریکای لاتین توجه فراوان میفول داشت . ایالات متحده باید خود را برای ملی شدن هستی شرکت های آمریکائی ، به ویژه در مورد سرمایه داریهای کشاورزی ، منابع طبیعی ، و تاسیسات عام المنفعه و بعضی صنایع تولیدی آماده کند .

در واقع ایالات متحده باید همراه با بانک توسعه وترمیم بین المللی ، برای انجام اینگونه ملی شدن ها از لحاظ مالی نقش فعالی را بعهده بگیرد . این عمل ، توافق بین کشورهای ذینفع و آمریکا را در زمینه پرداخت غرامتها آسان خواهد کرد و موجب نارضائی همیشگی نخواهد

دولت آمریکا می تواند بدون فداکاری خیلی زیاد با کشورهای آمریکای لاتین در جهت یک هدف معین تام بردارد و از احساسات ضد آمریکائی مردم آمریکای لاتین بگاهد .

هدف من از نوشتن این سطور مطالعه اجمالی نیروهای سیاسی در آمریکای لاتین بود . حالاکه سخن به پایان نزدیک میشود باید دوباره تاکید کنم که ما درباره آنچه که در آینده اتفاق افتد به یقین چیزی نمی دانیم .

نتایجی که من بطور موقت گرفته ام در موارد منفی درست تر از زمانی است که درباره موارد مثبت صحبت کرده ام . در موارد منفی ساده است که امکان اتفاق نیفتادن فلان عمل را پیش بینی کرد ، ولی در موارد مثبت با امکانات مختلفی دوبرو هستیم که فقط تعداد کمی از آنها رامیتوان بااحتمال زیاد رد کرد . علاوه ممکن است که درباره یک مطلب در کشورهای مختلف آمریکای لاتین نتیجه های مختلفی گرفته شود .

نتیجه اصلی مطالعه من ، درست مانند نتیجه ای که در فصل چهاردهم کتاب درام آسیائی گرفته ام ، فوری است که باید برای اصلاحات اساسی قائل شد . اگر این اصلاحات صورت نپذیرند ، نه تنها در توسعه اوضاع اقتصادی کشورها رکود ایجاد خواهد شد ، بلکه بر میزان نابرابری و فقر توده ها نیز افزوده خواهد شد . پیش بینی دراز مدت اثرات سیاسی رکود فوق بهمان دلایلی که در انتهای فصل چهاردهم کتاب فوق الذکر آورده ام از قدرت قضایوت من خارج است .

پیش بینی رویدادهای سیاسی بعهده دانشمندان علم سیاست است . این دانشمندان باید بدون فرصت طلبی و اتخاذ بیطرفی در مورد آنچه که بسود آمریکا و اولیادارشی های محلی است به مطالعه اوضاع سیاسی آمریکای لاتین بپردازند .

درست است که پیش بینی رویدادهای سیاسی بعهده دانشمندان علم سیاست است ولی اقتصاد دانان نیز نباید از اوضاع سیاسی کشورها غافل بمانند . بعهده این عده است که خود را با حقایق وسیع بویاتی های سیاسی کشورهای آمریکای لاتین آشنا کنند . والا هرگونه کوششی که در جهت حل مسائل توسعه این کشورها بعمل آید سطحی و همراه کننده خواهد بود .

Hickenloper (1

Barrington Moore, Jr., Social (2
Origins of Dictatorship and Democracy: Lord and Peasant in the Making of the Modern World. (Allen Lane, the Penguin Press, 1967), P. 505.

۱۳ میردال ، در این قسمت بطور باورقی بتوضیح انواع مارکسیسم جهان حاضر می پردازد که بعلم طولانی بودن خود مقاله جداگانه ای میشود . مترجم سعی خواهد کرد که این باورقی را ترجمه کرده و در اختیار تکی بگذارد . م .